

دو پیشنهاد به وزارت علوم دربارهٔ مقالات علمی - پژوهشی (مورد مثال: رشته زبان و ادبیات فارسی)

چکیده: آیین نامه ارتقا یا تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی گرچه به لحاظ تبیین و تنظیم اصول اداری مفید است؛ اما از نظر برخی مواد، مصوبات و توضیحات پیرامون کارهای پژوهشی، ناقص می باشد. نویسنده در نوشتار حاضر دو پیشنهاد درخصوص چگونگی بررسی و امتیازدهی مقالات علمی پژوهشی با ارائه مصادیقی از رشته زبان و ادبیات فارسی، مطرح می نماید. این دو پیشنهاد بدین شرح اند: ۱. بررسی فنی و دقیق محتوای مقاله های چاپ شده نه مجلات آن ها؛ ۲. پذیرش فقط دو مقاله مشترک از اعضای هیأت علمی متقاضی ارتقا یا تبدیل وضعیت که نام عضو و دانشجو/ دانشجویان در آن باشد.

کلیدواژه: آیین نامه، ضوابط نامه، ارتقای هیأت علمی، تبدیل وضعیت هیأت علمی، مقالات علمی پژوهشی.

کم رونق شدن روش و کیفیت علمی آنهاست. دیگر پیامد ناگوار این نوع پژوهش های بخش نامه ای و کمیت گرا این است که چون مبنای ارتقای علمی مدرّسان دانشگاه ها، جدول ها و محاسبات مختلف این آیین نامه هاست، به یکباره انبوهی از دانشیاران و استادان در رشته های گوناگون سربرآورده اند که شوربختانه شمار نظری از آنها در هیچ یک از حوزه های رشته خویشتن متخصص نیستند و گاهی حتی یک اثر علمی (کتاب یا مقاله) که مورد تأیید واقعی صاحب نظران آن دانش باشد عرضه نکرده اند، ولی چه می توان کرد که این خیل سیاهی لشکر - که البته بعضی بندها و ماده های غیر علمی آیین نامه های مذکور نیز سخت به یاریشان آمده، روی کاغذ، دانشیار و استاد تمام محسوب می شوند و شگفت این که برخی از آنها نیز به تعبیر آن مثل معروف «از هول حلیم در دیگ افتاده» و واقعاً خود را دانشیار و استاد رشته خویشتن می نامند و می دانند!، در حالی که مثلاً اگر در حوزه زبان و ادبیات فارسی، «استاد» و معیار «استادی» کسانی چون استاد فروزانفر، استاد همایمی، استاد مینوی، استاد افشار، دکتر زرین کوب، دکتر زریاب خوبی، دکتر یوسفی، دکتر مرتضوی، دکتر شفیعی کدکنی و همانند اینان باشد، دیگران باید پروا و پرهیز و حتی شرم داشته باشند از اینکه خود را «استاد» بخوانند.

از هنگام تأسیس دانشگاه ها در مفهوم امروزی آن، معیار اصلی اعتبارسنجی آنها یافته ها و نوشته های علمی و تحقیقی استادان و دانشجویان بوده است، اما با گذشت زمان و گسترش نظام های اداری، به تدریج مجموعه ای از قوانین و آیین نامه ها برای آثار علمی استادان و مدرّسان دانشگاه ها تدوین و با نام هایی چون آیین نامه ارتقا یا تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی ابلاغ و اجرا شده است. این ضوابط نامه ها که معمولاً هر چند سال یک بار تغییراتی یافته و اغلب بر جزئیات و پیچیدگی های آنها افزوده شده است، گرچه به لحاظ تبیین و تنظیم اصول اداری - در عصر دیوان سالاری زندگی بشر و حاکمیت قانون و بخش نامه و ماده تبصره و... - مفید و روشن گراست، از نظر برخی مواد و مصوبات و توضیحات درباره کارهای پژوهشی ناقص و محدودکننده می نماید و چون ارتقای مراتب علمی، ترفیع پایه ها و تبدیل وضعیت استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه ها مبتنی بر این آیین نامه هاست، سبب ایجاد گونه ای تحقیق (مقاله نویسی، تألیف کتاب، طرح پژوهشی، گزارش تحقیق تجربی و...) قالبی و بی روح در دانشگاه ها شده است؛ بدین معنی که بیشتر استادان و مدرّسان می کوشند آثار خویشتن را صرفاً با چارچوب های این بخش نامه ها تطبیق دهند و در مجلات خاصی منتشر کنند.

نتیجه پیروی خواسته یا ناخواسته بیشتر استادان و مدرّسان دانشگاه ها از جدول ها، تقسیم بندی ها، امتیازها و ارقام آیین نامه های ارتقا و تبدیل وضعیت، افزایش کمی مقالات و کتاب ها و متأسفانه

شاعر اگر سعدی شیرازی است
بافته های من و تو بازی است

۱. برای اشاره و نقدی در این باره، رک به: موسوی، مصطفی؛ «قانون خوب + اجرای خوب» دانشگاه خوب؛ نگاه نو، سال بیست و سوم، شماره ۱۰۱، بهار ۱۳۹۳، ص ۶۸.

ایراد دوم و شاید مهم‌تر، این است که تأکید و تکرارِ ضرورتِ چاپ مقالات در مجلات علمی - پژوهشی و ISI، به تدریج توجه به کیفیت علمی آثار منتشر شده را کم‌رنگ کرده و در کمیته‌های منتخب و شوراهای تخصصی بررسی پرونده‌های ارتقا و تبدیل وضعیت به جای ارزیابی «مقالات» متقاضی و تخصیص امتیاز، عمدتاً به «مجلات» که این مقاله‌ها در آن چاپ شده توجه و امتیاز داده می‌شود؛ یعنی در اغلب موارد اعضای این نوع جلسات، موضوع، محتوا و روش مقالات عرضه شده را بررسی نمی‌کنند و فقط به صرف انتشار آنها در مجلات ISI، علمی - پژوهشی یا علمی - ترویجی و بنا برنام و اعتبار این نشریات به مقاله‌ها امتیاز می‌دهند. در این شیوه ارزیابی که متأسفانه سنت غالب دانشگاه‌های کشور است، میان یک مقاله عالمانه و روشمند که برای تحقیق و نگارش آن چندین ماه زحمت کشیده شده با انشایی که به لطایف الحیل نوشته و چاپ شده است معمولاً هیچ تفاوتی نیست و چون هر دو در مجله‌ای مثلاً با درجه علمی - پژوهشی منتشر شده‌اند، هم‌پایه انگاشته می‌شود.

از آنجا که مبنای امتیاز، درجه علمی مجله است، نه کیفیت خود مقاله، مدعیان ابوالمشاغل و بازگانی که به تلبیس و حیل جامعه استادی پوشیده‌اند، با انواع شگردهای غیرعلمی و فریبکارانه که می‌دانیم و بارها نیز گفته و نوشته شده است، می‌کوشند نوشته‌های مختلفی را به نام خویش در نشریات دارای پایه علمی و مصوب وزارت علوم چاپ کنند و مطابق جدول‌ها و معیارهای آیین‌نامه‌ای، ترفیع و ارتقا بگیرند که گرفته‌اند و می‌گیرند.

پیشنهاد نگارنده برای ممانعت از این کار و گشوده شدن گره معضل مقالات / مجلات علمی - پژوهشی در دانشگاه‌ها این است که وزارت علوم تصویب و تأکید کند که در پرونده‌های متقاضیان ارتقا و تبدیل وضعیت، اعضای شورای تخصصی هر رشته - که اصولاً باید صاحب نظرترین و برجسته‌ترین افراد هر گروه علمی دانشگاه‌ها باشند، به جای توجه به نوع مجلاتی که مقالات عضو هیأت علمی در آنها چاپ شده، فقط و فقط محتوای آن مقاله‌ها را به صورت فنی و دقیق بررسی کنند و بی هیچ تعارفی امتیاز (از صفر تا هفت) بدهند. در این صورت ممکن است مقاله ارزشمندی که در یک نشریه فاقد درجه مصوب وزارت علوم چاپ شده بیشتر از مقاله ضعیفی که در مجله‌ای علمی - پژوهشی منتشر شده است امتیاز بگیرد.

در رشته زبان و ادبیات فارسی مجلاتی مانند کتاب ماه ادبیات، گزارش میراث، بخارا، نشر دانش، معارف، جهان کتاب، نامه بهارستان، نامه ایران باستان و... منتشر می‌شود که اسماً هیچ درجه و امتیازی ندارند، ولی همواره برخی از بهترین و دانشورانه‌ترین مقالات تحقیقی و نقد کتاب در آنها چاپ می‌شود و شماری از استادان و محققان طراز اول

با همه این واقعیات و خون دل‌ها، چون در زیست اداری انسان معاصر، گریز و گزیری از آیین نامه و بخش نامه نیست، برای اینکه کارهای علمی در دانشگاه‌ها به سامان تر گردد و تا حدودی از پژوهش‌های قالبی و کتبی و به تبع آن، دانشیارسازی و استادتراشی جلوگیری شود، می‌توان با تغییر و اصلاح بعضی بندهای آیین نامه ارتقای اعضای هیأت علمی، به شرایط عالمانه و نه شبه علمی نزدیک تر شد. این موضوع نیازمند اظهار نظر همه استادان و مدرسان واقعی و دردمند دانشگاه‌های کشور از یک سو و از سوی دیگر عنایت وزارت علوم به این دیدگاه‌ها و اجرای عملی آنهاست. به همین منظور در این یادداشت دو پیشنهاد درباره چگونگی بررسی و امتیازدهی مقالات علمی - پژوهشی (با مثال‌ها و مصادیقی از رشته زبان و ادبیات فارسی) طرح خواهد شد تا اگر وزارت علوم در اندیشه بازنگری و تغییر آیین نامه ارتقا باشد، شاید مورد توجه قرار بگیرد. نگارنده در همین جا از همه همکاران عضو هیأت علمی در دانشگاه‌های مختلف و نیز صاحب نظران بیرون از دانشگاه به تأکید فراوان تقاضا می‌کند که دیدگاه‌های ارزشمند خویش را درباره دو پیشنهاد این یادداشت و همچنین سایر بندها و بخش‌های علمی آیین نامه ارتقا مطرح فرمایند.

پیشنهاد نخست

سال‌هاست که در آیین نامه ارتقا، مقالات به چند دسته ISI، ISC، علمی - پژوهشی، علمی - مروری و علمی - ترویجی تقسیم و برای هر یک از آنها امتیازی در نظر گرفته شده است. منظور از این مقالات، نوشته‌هایی است که در مجلات دارای رتبه‌های ISI، ISC، علمی - پژوهشی و... چاپ شده باشد و اینها - غیر از مجله‌های ISI خارج از کشور - نشریاتی است که درجه و امتیازشان را وزارت علوم تعیین و اعطا می‌کند.

اینکه مجلاتی در رشته‌ها و دانش‌های گوناگون درجه‌بندی شده و رتبه و امتیاز خاصی داشته باشند، به خودی خود ایرادی ندارد و در دانشگاه‌های سراسر جهان نیز مرسوم است، اما اینکه مطابق آیین‌نامه‌های کنونی، ارتقا و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی و حتی صدور مجوز دفاع دانشجویان دکتری از رساله خویش مشروط به چاپ چند مقاله در نشریات ISI و علمی - پژوهشی است، دو مشکل اساسی ایجاد کرده است: اول اینکه به دلیل کم بودن این‌گونه مجلات که در برخی رشته‌ها شاید کمتر از شصت انگشتان یک دست هم هست، صف بسیار طولی برای داوری و چاپ مقالات در آنها به وجود آمده، به طوری که روند بررسی و اعلام نتیجه حتی منفی در غالب نشریات علمی - پژوهشی چند ماه زمان می‌برد و اگر بنا بر چاپ مقاله باشد، این کار ممکن است یک تا چند سال نیز طول بکشد که پیداست چه دشواری‌ها و تأخیرهایی را برای اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری موجب می‌شود.

لحاظ اصول پژوهش لازم نیست هر مقاله‌ای حتماً مقدمه داشته باشد و ای بسا محقق بدون پیش درآمد، مستقیم وارد اصل موضوع (متن مقاله) بشود. نیز نتیجه‌گیری در محتوای بسیاری از مقالات هست و نیازی نیست دوباره در بخشی به این نام همان مطلب با انشایی دیگر تکرار شود. هیچ یک از مقالات معیار - حداقل در حوزه زبان و ادبیات فارسی - که نوشته استادان و محققان بزرگ است و غالباً نیز در دوره‌ای چاپ شده که مجلات برخلاف امروز پایه و درجه نداشتند و هر مقاله به صرف خود آن سنجیده می‌شد، این‌گونه تقسیم‌بندی‌های صوری (مقدمه، متن و نتیجه‌گیری) ندارد و ساختار آن حاصل ذوق و روش پژوهشگر است. نکته دیگر اینکه در مجلات علمی - پژوهشی، قانون نانوشته‌ای هست که مقالات کوتاه و کم حجم (مثلاً دو تا ده صفحه) برای داوری و چاپ پذیرفته نمی‌شود و مقاله ارسالی حداقل باید دوازده تا پانزده صفحه باشد. این موضوع هم از نظر روش‌شناسی تحقیق درست نیست و گاه احتمال دارد مقاله کوتاه یا یادداشت دو تا سه صفحه‌ای در بردارنده یافته و نکته تازه‌ای باشد که ضرورتی ندارد با انشانویسی و فربه‌کردن زاید مطلب، آن را به پانزده یا بیست صفحه گسترش داد. در عرصه مطالعات ایرانی، مقالات پرمایه شادروان دکتر احمد تفضلی یکی از بهترین نمونه‌های نوشته / یادداشت‌های کوتاه تحقیقی است که اختصارشان چیزی از بهره و اعتبار علمی - پژوهشی آنها در سطح بین‌المللی نکاسته است.

چون در نشریات بدون امتیاز خوش‌بختانه قید و بندی برای قالبی شدن مقالات در الگوی مقدمه، متن و نتیجه‌گیری و حداقل صفحات نوشته وجود ندارد، در صورت اجرا شدن پیشنهاد مورد بحث، دست اعضای هیأت علمی و دانشجویان برای انتشار مقالات روان و رها و عاری از شاخ و برگ زواید بازر خواهد بود و از این قبل، احتمالاً کارهای علمی خوبی چاپ می‌شود.

پیشنهاد دوم

در تبصره ۴ ماده ۳ شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی (مصوب ۱۴/۱۰/۸۹) آمده است «برای ارتقا به مرتبه دانشجویی و استادی به ترتیب ارائه حداقل ۲ و ۳ مقاله علمی پژوهشی معتبر مستقل الزامی است و منظور از مقاله مستقل مقاله‌ای است که نویسنده آن صرفاً شخص متقاضی باشد. چنانچه مقاله مستخرج از پایان‌نامه یا رساله دانشجویی بوده و دانشجو و استاد راهنمای وی (متقاضی) مشترکاً نویسندگان مقاله باشند آن مقاله نیز مستقل تلقی می‌گردد».

جملات پایانی و مشخص شده این بند از آیین‌نامه ارتقا دست‌آویزی شده است که بیشتر اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با اصرار الزام‌های نامنصفانه، دانشجویان کارشناسی ارشد و عمدتاً دکتری رشته‌های مختلف را وادار کنند که از پایان‌نامه یا رساله خویش

در آنها مقاله می‌نویسند. در مقابل، کیفیت علمی بسیاری از مجلات علمی - پژوهشی این رشته، جز از یکی دو استثنای معدود، نازل و بیشتر مقالات آنها سست و غیرقابل استفاده است، اما در شورا‌های دانشگاهی برای بررسی تقاضاهای ارتقا و... به مقاله یا نقد چاپ شده در مثلاً کتاب ماه ادبیات یا بخارا یا گزارش میراث، در هر سطح از سندیت و اعتبار علمی، هیچ امتیازی داده نمی‌شود یا به صورت سلیقه‌ای حداکثر بیست و پنج صدم یا نیم نمره تعلق می‌گیرد، در حالی که مقاله یا نقد منتشر شده در فلان نشریه علمی - پژوهشی - هر اندازه هم که ضعیف و نامعتبر باشد، حداقل سه و در نهایت هفت امتیاز خواهد داشت.

پیشنهاد ارزیابی مقالات و امتیازدهی به آنها بی‌توجه به نام و درجه مجلات، به معنای آسان‌گیری در کار ارتقا و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی نیست و نباید سبب این سوء تفاهم / تعبیر شود که چون چاپ مقاله در نشریات بدون پایه علمی - پژوهشی یا ترویجی، سرعت و سهولت بیشتری دارد، تأیید این روش باعث می‌شود که عده‌ای با انتشار مقالات و نقدهای متوالی در این مجلات به آسانی آماده ارتقا و ترفیع شوند. همچنان که گفتیم شرط اصلی عملی شدن این پیشنهاد انتخاب گروهی از متخصصان و محققان واقعی - نه صوری و نیک‌نهاد هر گروه علمی به عنوان شورای تخصصی / کمیته منتخب آن رشته در دانشگاه‌ها و سپردن کار بررسی موشکافانه و امتیاز دهی مقالات به این افراد است. در صورتی که این گزینش درست و علمی باشد، تقریباً مطمئن خواهیم بود که هر مقاله به اعتبار موضوع، محتوا، روش و سطح آن سخت‌گیرانه ارزیابی می‌شود و اینگونه نیست که همه مقالات عضو هیأت علمی متقاضی ارتقا یا ترفیع و... - که شاید چند ده عنوان نیز باشد و بیشتر در همان مجلات به اصطلاح بی‌درجه و امتیاز چاپ شده - حتماً امتیاز خواهد گرفت. البته اگر چنین پیشنهادی به کار بسته شود، نشریات فاقد رتبه‌های پژوهشی، ترویجی، مروری و غیره یک باره با سیل و خیل مقالات و نقدهای ارسالی رویارو خواهند شد و کسانی که تا دیروز حتی نام بسیاری از این مجلات را نیز نشنیده بودند، به آنها مقاله خواهند فرستاد. بدیهی است که در چنین شرایطی نشریات یاد شده به همان شیوه همیشگی خویش از پذیرش و چاپ آثار کم‌مایه پرهیز می‌کنند و مجالی برای فرصت‌طلبان و زندان فراهم نخواهد شد.

این پیشنهاد افزون بر اینکه می‌تواند در بالابردن سطح علمی مقالات و چیرگی کیفیت‌گرایی بر توجه به کمیت مؤثر باشد، یک نتیجه جانبی / فرعی هم خواهد داشت و آن رهایی از قید مقالات قالبی است. توضیح اینکه در شیوه‌نامه مجلات علمی - پژوهشی و ترویجی تأکید شده است که مقالات ارسالی باید دارای بخش‌هایی مانند چکیده، مقدمه، متن و نتیجه‌گیری باشد و این موجب شده که همه مقالات چاپ شده ساختار و قالبی یکسان داشته باشند، در حالی که به

که دانشجویان نوشته و نام او را بر سر یا زیر نام خویش گذاشته‌اند، به راحتی ترفیع می‌گیرد و ارتقا می‌یابد.

گواه عدل این مدعا، اکثریت دانشیاران و استادانی است که در سالیان اخیر و پس از قبول و رواج آیین‌نامه‌ای مقالات دو/چند مولفی، این القاب و عناوین را یافته‌اند و اگر کارنامه/پرونده علمی آنها را بررسی کنیم، خواهیم دید که یا اصلاً مقاله مستقل که نوشته شخص خودشان باشد ندارند و یا شمار مقالات مشترکشان آن هم در حوزه‌های متنوع و پراکنده، چند برابر نوشته‌های فردی ایشان است. البته باید یادآور شد که در این میان استثناهای معدودی نیز هستند که در کار تحقیق و تحریر مقاله مشترک با دانشجویان خویش، به کمال همکاری می‌کنند و سهم و مشارکتشان به اندازه‌ای است که ذکر نام آنها در کنار نام دانشجویان وجدان کسی را نمی‌آزارد، اما می‌دانیم که استثنا قاعده نمی‌شود و داوری و انتقاد مذکور به استناد فضای غالب در دانشگاه‌هاست که متأسفانه غیر علمی است.

پیشنهاد نگارنده درباره این معضل بزرگ این است که تصویب کنند که در هر مرحله از ارتقا یا تبدیل وضعیت عضو هیأت علمی، فقط دو مقاله مشترک (اعم از پژوهشی، ترویجی یا غیر آن) که نام عضو و دانشجو/دانشجویان در آن باشد از شخص متقاضی پذیرفته و به آنها امتیاز داده شود، نه بیشتر. با اجرای این پیشنهاد هم عدالت در حق دانشجویان تحصیلات تکمیلی رعایت می‌شود و هم اعضای هیأت علمی ناچار می‌شوند که خود به خود به وظیفه اصلی‌شان که مطالعه و تحقیق است بپردازند و مقاله و کتاب مستقل بنویسند. برای اینکه دانشجویان به شیوه‌ای دیگر مرسوم نشود و از طرف دیگر مانعی برای همکاری و تعامل بعضی استادان پیش نیاید، باید افزود که در این پیشنهاد مراد از مقاله مشترک، هر مقاله‌ای است که نام عضو/اعضای هیأت علمی در کنار نام دانشجو/دانشجویان آمده باشد، چه این مقاله در مجلات علمی - پژوهشی چاپ شده باشد چه در نشریات ترویجی یا مروری و چه در مجلات فاقد امتیاز و درجه یا مجموعه مقالات همایش‌ها و... اما اگر دو یا چند عضو هیأت علمی، بدون بودن نام دانشجو/دانشجویان مقاله مشترکی را با همکاری یکدیگر بنویسند و چاپ بکنند، شامل این پیشنهاد (پذیرش نهایتاً دو مقاله مشترک) نخواهد بود و نباید برای آن حداکثری تعیین کرد.

چندین مقاله علمی - پژوهشی بنویسند و نام آنها را نیز بر صدر یا ذیل نام خود بگذارند. این بهره‌کشی غیر علمی و سوء استفاده، محدود به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی نیست و مدرسان بسیاری در دوس دوره دکتری هم تکلیف می‌کنند که باید هر دانشجو برای آن درس مقاله‌ای بنویسد و با گذاشتن نام ایشان در آن نوشته، برای گرفتن گواهی پذیرش و چاپ به مجلات علمی - پژوهشی بفرستد. در برخی از گروه‌ها و دانشگاه‌ها برای بعضی دروس دکتری امتحان برگزار نمی‌شود و گواهی چاپ مقاله آن درس در نشریه علمی - پژوهشی، جایگزین آزمون است. عده‌ای نیز اگر امتحانی هم بگیرند، شرط اعلام نمره آن را نامه پذیرش مقاله تعیین می‌کنند.

محصول این کار افزایش بسیار نمایان مقالات دو یا چند مولفی به معنای مقاله‌هایی است که یک نویسنده آن دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکتری و نویسنده/نویسندگان دیگرش عضو/اعضای هیأت علمی هستند. این‌گونه مقالات که نگارنده در گفتاری دیگر به نقد آنها پرداخته^۲ با شیوه‌ای که برای نوشتنشان در دانشگاه‌های ایران متداول شده، ستم ناجوانمردانه‌ای در حق اغلب دانشجویان تحصیلات تکمیلی و نردبان ترقی ظاهری و آیین‌نامه‌ای بسیاری از اعضای هیأت علمی تن‌آسان و غیر محقق است؛ زیرا همان‌گونه که می‌دانیم و به وفور دیده و از زبان دانشجویان و استادان واقعی شنیده‌ایم، بیشتر کسانی که از دانشجویان نشان مقاله علمی - پژوهشی می‌خواهند، نه خود پیشینه درخشان تحقیقی و نگارش و چاپ مقالات و کتاب‌های مستقل/تک مولفی دارند و نه در کار پژوهش و نوشتن مقاله الزام شده با دانشجو همکاری می‌کنند. عجیب‌تر اینکه شماری از این افراد نه تنها هیچ راهنمایی و کمکی به دانشجویان نمی‌کنند و احتمالاً از نظر مایه علمی نمی‌توانند هم بکنند، پس از پایان کار دانشجویی مقاله او را یک بار هم نمی‌خوانند و فقط اصرار دارند که دانشجو با ذکر نام ایشان در آن گفتار، مجوز چاپش را در یکی از مجلات علمی - پژوهشی بگیرد. گاهی شنیده‌ایم که بعضی از این آقایان یا بانوان بعد از انتشار مقاله در نشریه که البته نام ایشان هم در آن مقاله هست، از نام و موضوع آن آگاه شده‌اند.

بدیهی است تا زمانی که آیین‌نامه مصوب وزارت علوم، مقالات مستخرج از پایان‌نامه یا رساله دانشجویان را برای عضو هیأت علمی مقاله «مستقل» به شمار آورد و از سوی دیگر برای «همه» مقالات مشترک اعضای علمی و دانشجویان در مجلات پژوهشی یا ترویجی امتیاز بدهد، فشار بی‌امان و نامردانه بسیاری از به اصطلاح استادان بر دانشجویان تحصیلات تکمیلی (عمدتاً دکتری) به طور فزاینده ادامه خواهد یافت؛ چون مطابق این قوانین عضو هیأت علمی بدون اینکه خود کاری بکند و مقاله‌ای بنویسد با استفاده (سوء استفاده) از مقالاتی

۲. رک به: آیدنلو، سجادا؛ «مقالات دو یا چند مولفی آفتی نوظهور در تحقیقات ادبی (آسیب شناسی و اقتراح)»؛ گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره ۲، تیرماه ۱۳۹۱، ص ۱۰-۱۳.